

الیاس — شماره نہ

پیامبر دروغ گفت

Jeff Pippenger

2023-10-11

ما مقالہ پیشین را با بخشی به پایان رساندیم کہ به «روحی دروغگو» می‌پردازد. آنچه در پی می‌آید، یکی از بندهای آن بخش است.

«غیرمقدسّ خادمان خود را در برابر خدا صف‌آرایی می‌کنند. آنان مسیح و خدای این جهان را در یک نفس می‌ستایند. در حالی کہ به ظاهر ادعا می‌کنند مسیح را می‌پذیرند، باراباس را در آغوش می‌گیرند، و با اعمال خود می‌گویند: "نه این مرد، بلکه باراباس." هر کہ این سطور را می‌خواند، برحذر باشد. شیطان به آنچه می‌تواند انجام دهد فخر کرده است. او می‌پندارد کہ می‌تواند آن یگانگی را کہ مسیح دعا کرد در کلیسای او برقرار باشد، از هم بگسلد. او می‌گوید: "بیرون خواهم رفت و روحی دروغگو خواهم بود تا هر کہ را بتوانم بفریم، به عیب‌جویی و محکوم‌سازی و تحریف وادارم." بگذارید پسر فریب و شاهدِ دروغ در کلیسای راه یابد کہ از نور عظیم و شواهد عظیم برخوردار بوده است، و آن کلیسا پیامی را کہ خداوند فرستاده است کنار خواهد نهاد و نامعقول‌ترین ادعاها و فرضیات باطل و نظریه‌های کاذب را خواهد پذیرفت. شیطان بر حماقت ایشان می‌خندد، زیرا می‌داند حقیقت چیست.» Testimonies to Ministers, 409.

اجازه داده شود «پسر فریب و شهادتِ دروغین» از سوی کلیسایی کہ از نور عظیم و شواهد عظیم برخوردار بوده است، پذیرفته شود، و آن کلیسا پیامی را کہ خداوند فرستاده است کنار خواهد گذاشت و نامعقول‌ترین ادعاها و فرضیات باطل و نظریه‌های کاذب را خواهد پذیرفت.» در سال 1863، ادونتیسیم میلریت به روش‌شناسی نامعقول و باطلی کہ پروتستان‌تیسیم مرتد به کار برده بود «بازگشت» و شناسایی ویلیام میلر از هفت زمانِ لایوان بیست‌وشش را رد کرد. موضوع «بازگشت» به وسیلهٔ عاصیان در اعداد چهارده به تصویر کشیده شد، آن‌گاه کہ تصمیم گرفتند برای خود رئیسی برگزینند و به مصر بازگردند.

و ایشان به یکدیگر گفتند: «بیا بید رئیسی برای خود تعیین کنیم و به مصر بازگردیم.» اعداد 14:4.

موضوع «بازگشت» به پروتستان‌تیسیم مرتد نیز به وسیلهٔ ارمیا بازنمایی شد، هنگامی کہ در باب پانزدهم به او گفته شد کہ پروتستان‌های سقوط‌کرده می‌توانند به نزد او بازگردند، اما او نباید به سوی ایشان «بازگردد».

میں ٹھٹھا کرنے والوں کی مجلس میں نہ بیٹھا، نہ شادمان ہوا؛ میں تیرے ہاتھ کے سبب تنہا بیٹھا رہا، کیونکہ تو نے مجھے غضب سے بھر دیا تھا۔ میرا درد دائمی کیوں ہے، اور میرا زخم لاعلاج کیوں ہے، جو شفا پانے سے انکار کرتا ہے؟ کیا تو میرے لیے بالکل جھوٹے کی مانند ہوگا، اور ایسی نہروں کی مانند جو خشک ہو جاتی ہیں؟ اس لیے خداوند یوں فرماتا ہے: اگر تو رجوع لائے، تو میں تجھے پھر واپس لاؤں گا، اور تو میرے حضور کھڑا ہوگا؛ اور اگر تو قیمتی کو حقیر سے جدا کرے، تو تو میرے منہ کی مانند ہوگا؛ وہ تیرے پاس رجوع لائیں، پر تو ان کی طرف رجوع نہ لانا۔ اور میں تجھے اس قوم کے لیے پیتل کی فصیل بند دیوار بنا دوں گا؛ اور وہ تجھ سے لڑیں گے، پر تجھ پر غالب نہ آئیں گے؛ کیونکہ خداوند فرماتا ہے، میں تیرے ساتھ ہوں کہ تجھے نجات دوں اور تجھے رہائی بخشوں۔ یرمیاہ 20-15:17.

شاید روشن‌ترین تمثیل نبوی اصل بازنگشتن به پروتستانتیسم مرتد را بتوان در داستان نبی نافرمان یافت؛ همان که پیام توبیخ را به یربعام، نخستین پادشاه دہسبط شمالی، ابلاغ کرد.

و پادشاه به مرد خدا گفت: با من به خانه بیا و خود را تازه کن، و من به تو پاداشی خواهم داد. و مرد خدا به پادشاه گفت: اگر نیمی از خانهات را به من بدهی، با تو داخل نخواهم شد، و در این مکان نه نان خواهم خورد و نه آب خواهم نوشید؛ زیرا به کلام خداوند به من چنین امر شده است کہ: نان مخور، و آب منوش، و از همان راهی کہ آمده‌ای باز مگرد. پس او از راهی دیگر رفت، و از آن راهی کہ به بیت‌ئیل آمده بود بازنگشت. اول پادشاهان ۷۱۳-۱۰.

پیامبر نافرمان از جانب خدا مأمور شده بود کہ از همان راهی کہ آمده بود بازنگردد. ادونتیسیم میلری از پروتستانتیسم، کہ در ساردس نمود یافته بود، بیرون آمده بود و نباید باز می‌گشت. هرچند پیامبر نافرمان به خوبی می‌دانست کہ نباید از همان راهی کہ آمده بود بازگردد، با این‌همه، پیامبری کاذب از پادشاهی یربعام به او گفت کہ خدا فرموده است پیامبر نافرمان باید به خانه آن پیامبر کاذب بازگردد و با او غذا بخورد. او برخلاف هدایت خدا، دقیقاً همین کار را کرد. همین کہ شروع به خوردن غذای آن پیامبر کاذب کرد، کتاب مقدس به صراحت بیان می‌کند کہ پیامبر سامره دروغ گفته بود.

اور در بیت‌ئیل نبی سالخورده‌ای ساکن بود؛ و پسرانش آمده، او را از تمامی کارهایی کہ آن مرد خدا در آن روز در بیت‌ئیل کرده بود آگاه ساختند؛ و سخنانی را نیز کہ او به پادشاه گفته بود، به پدر خویش بازگفتند. و پدرشان به ایشان گفت: از کدام راه رفت؟ زیرا پسرانش دیده بودند کہ آن مرد خدا کہ از یهودا آمده بود، از کدام راه رفته است. و او به پسران خود گفت: الاغ را برایم زین کنید. پس الاغ را برای او زین کردند، و او بر آن سوار شد، و در پی مرد خدا رفت، و او را یافت کہ زیر درخت بلوطی نشسته بود؛ و به او گفت: آیا تو آن مرد خدایی هستی کہ از یهودا آمدی؟ او گفت: من هستم. آنگاه به او گفت: با من به خانه بیا و نان بخور. و او گفت: نمی‌توانم با تو بازگردم، و نه با تو به آنجا درآیم؛ و در این مکان با تو نه نان خواهم خورد و نه آب خواهم نوشید؛ زیرا به واسطه کلام خداوند به من گفته شد: در آنجا نان مخور و آب منوش، و از همان راهی کہ آمده‌ای باز مگرد. او به وی گفت: من نیز نبی‌ای هستم همچون تو؛ و فرشته‌ای به واسطه کلام خداوند با من سخن گفت و گفت: او را با خود به خانهات بازگردان تا نان بخورد و آب بنوشد. اما او به وی دروغ گفت. پس او با وی بازگشت، و در خانه او نان خورد و آب نوشید. اول پادشاهان ۱۱۳-۱۹.

نافرمان نبی نے سامریہ کے جھوٹے نبی کے ساتھ کھایا اور پیا، یعنی اُس نے ایک مرتد نبی کے پیغام کو قبول کیا، اور خداوند کے پیغام کو رد کر دیا۔ وہی پیغام جیسے اُس نے اُسی دن وفاداری کے ساتھ پہنچایا تھا۔ وہ خوب جانتا تھا کہ اُسے واپس نہیں لوٹنا تھا، لیکن اُس نے پھر بھی ایسا ہی کیا۔ سسٹر وائٹ ہمیں آگاہ کرتی ہیں کہ اگر "فریب اور جھوٹی گواہی کے فرزند کو اُس کلیسیا میں جگہ دی جائے جیسے بڑی روشنی، بڑے ثبوت ملے ہوں، تو وہ کلیسیا اُس پیغام کو ترک کر دے گی جو خداوند نے بھیجا ہے۔" ملرائٹ تاریخ میں پہلے فرشتے نے اپنی جلالی روشنی سے زمین کو منور کر دیا تھا۔ 1840 میں پہلے فرشتے کا پیغام دنیا کے ہر مشن اسٹیشن تک پہنچایا گیا تھا۔

«خبر آمدن قریب خداوند ما بہ جهان ما در قدرت و جلال عظیم، حق است؛ و در سال 1840 صدای بسیاری در اعلام آن برافراشته شد.» Manuscript Releases، جلد 9، ص. 134.

کمی بعد از آن، ادونتیسیم میلریتی بہ «دروغ» روش‌شناسی پروتستانتیسم مرتد بازگشت و «پیام خداوند» را کہ خدا از طریق ویلیام میلر فرستاده بود، کنار نهاد. آنان پیام موسی را، آن‌گونه کہ به وسیلہ ایلیا عرضه شده بود، رد کردند؛ و «دروغی» کہ در آغاز تاریخ میلریتی پذیرفته شد، نمایانگر همان «دروغی» است کہ در پایان باور می‌شود؛ آن «دروغی» کہ گمراہی شدید را بر ادونتیسیم لائودیکہ ای می‌آورد.

اور ہر طرح کی ناراستی کے فریب کے ساتھ اُن میں جو ہلاک ہوتے ہیں؛ اس لیے کہ اُنہوں نے حق کی محبت کو قبول نہ کیا تاکہ نجات پاتے۔ اور اسی سبب خدا اُن پر سخت گمراہی بھیجے گا تاکہ وہ جھوٹ پر ایمان لے آئیں؛ تاکہ وہ سب سزا کے مستحق ٹھہریں جنہوں نے حق کا یقین نہ کیا بلکہ ناراستی میں خوشی پائی۔ 2 تھسلنیکوں 10:2-12۔

ما می کوشیم نقش ایلیا را به عنوان نمادی در ارتباط با تاریخ‌های موازی شاخ پروتستانیسم و شاخ جمهوری خواهی، در طی دورہ‌ای کہ ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس فرمان می‌راند، نشان دہیم۔ دشواری گردآوردن ہمہ مسائل مربوط بہ سال 1863 در یک چارچوب نبوی، دست کم برای من، در خطوط گوناگون بہ ہم پیوستہ‌ای است کہ بہ مفہوم «منطق دوری» نزدیک می‌شوند۔ منطق مستقیم و بی‌پیرایہ ہموارہ بہترین رویکرد است، اما شناسایی حقایق الہی و روابط آن حقایق با یکدیگر کاری دشوار است، زیرا آن‌ها در کتاب مقدس «اندکی در اینجا و اندکی در آنجا» یافت می‌شوند۔

او دانش را بہ کہ خواہد آموخت؟ و فہم تعلیم را بہ کہ خواہد بخشید؟ بہ آنان کہ از شیر بازگرفتہ شدہ اند و از پستان‌ها جدا گردیدہ اند۔ زیرا حکم باید بر حکم باشد، حکم بر حکم؛ سطر بر سطر، سطر بر سطر؛ اینجا اندکی، و آنجا اندکی۔ اشعیا 28:9، 10

این نیز کاری دشوار است، آنگاہ کہ مخاطبان مورد نظر شما از کسانی تشکیل شدہ باشند کہ با حقایق اصلی‌ای کہ بدان‌ها می‌پردازید آشنا ہستند، در حالی کہ برخی دیگر با ہمہ این مطالب تازہ واردند۔ تقریباً تمامی حقایقی کہ قصد دارم در این مقالہ مروری بر آن‌ها ارائه دہم، در جداول حقوق یافت می‌شوند۔ از بیم آنکہ چنین ننماید کہ از «منطق دوری» استفادہ می‌کنم، پیش از آنکہ عملاً بہ آنجا برسیم، بہ شما خواہم گفت کہ بہ کجا می‌رویم۔

در سال ۱۸۶۳، ادونتیسیم میلری لاودیکہ تمثال غیرت را برپا کرد۔ تمثال غیرت نمایانگر نخستین نسل از چہار نسل ادونتیسیم لاودیکہ است۔

پس بہ من گفت: «ای پسر انسان، اکنون چشمان خود را بہ سوی شمال برافراز.» پس چشمان خود را بہ سوی شمال برافراشتم، و اینک در جانب شمالی، نزد دروازہ مذبح، این تمثال غیرت در مدخل قرار داشت۔ حزقیال ۸:۵۔

چار پشت کلیسای ادونتیسیم روز ہفتم در بخش‌های گوناگون کلام مقدس بازنمودہ شدہ اند، اما من حزقیال باب ہشت را بہ عنوان نقطۂ اصلی ارجاع بہ کار می‌برم۔ علت این امر آن است کہ باب ہشت بہ باب نہ منتهی می‌شود۔ در حزقیال ۹، مہر شدن صد و چہل و چہار ہزار نفر بہ تصویر کشیدہ شدہ است، و در شہادت‌ها، جلد پنجم، خواہر وایت این حقیقت را بہ روشنی مشخص می‌سازد۔ در اظہارات خواہر وایت، او بہ وضوح دو گروہ از پرستش‌کنندگان را در اورشلیم، ہنگامی کہ مہر شدن واقع می‌شود، مورد خطاب قرار می‌دہد۔ حزقیال نیز ہمین کار را می‌کند، و گروہی کہ مہر را دریافت نمی‌کنند در باب ہشت بازنمودہ شدہ اند۔

وہ طبقہ جو اپنی روحانی تنزلی پر غمگین نہیں ہوتا، اور نہ دوسروں کے گناہوں پر ماتم کرتا ہے، خدا کی مہر کے بغیر چھوڑ دیا جائے گا۔ خداوند اپنے قاصدوں کو، اُن آدمیوں کو جن کے ہاتھوں میں ہلاکت کے ہتھیار ہیں، یہ حکم دیتا ہے: "اُس کے پیچھے پیچھے شہر میں جاؤ، اور مار ڈالو: نہ تمہاری آنکھ رحم کرے، نہ تم ترس کھاؤ: بوڑھوں اور جوانوں کو، کنواریوں کو، اور چھوٹے بچوں اور عورتوں کو بالکل ہلاک کر ڈالو: لیکن اُس کسی آدمی کے قریب نہ جانا جس پر یہ نشان ہو؛ اور میرے مقدس سے شروع کرو۔ تب اُنہوں نے اُن بزرگ آدمیوں سے شروع کیا جو گھر کے سامنے تھے۔"

"در اینجا می‌بینیم کہ کلیسا — یعنی قدسگاہ خداوند — نخستین جایی بود کہ ضربہ غضب خدا را احساس کرد۔ مشایخ، همان کسانی کہ خدا بہ ایشان نور عظیم عطا کردہ بود و بہ منزلہ

پاسداران مصالح روحانی قوم ایستاده بودند، به امانت خود خیانت ورزیده بودند. آنان این موضع را اختیار کرده بودند که نیازی نیست در انتظار معجزات و ظهور آشکار قدرت خدا، مانند ایام گذشته، باشیم. زمانه دگرگون شده است. این سخنان، بی‌ایمانی ایشان را تقویت می‌کند، و می‌گویند: خداوند نه نیکی خواهد کرد و نه بدی. او از آن قدر رحیم است که قوم خود را با داوری تفقد کند. بدین‌سان، «سلامتی و امان» فریادی است از سوی مردانی که دیگر هرگز آواز خود را چون کرنا بلند نخواهند کرد تا تعدیات قوم خدا و گناهان خاندان یعقوب را به ایشان بنمایانند. این سگان گنگی که نمی‌خواستند پارس کنند، همان کسانی‌اند که انتقام عادلانه خدای آزاده را احساس می‌کنند. مردان و دختران جوان و کودکان خردسال، همگی با هم هلاک می‌شوند." شهادت‌ها، جلد ۵، ۳۱۱.

باب هشتم آنان را در اورشلیم توصیف می‌کند—«کلیسا» را که در نسل چهارم از چهار نسل، به صورت نمادین در حال سجدہ کردن به خورشید نمایانده شده‌اند.

اور اُس نے مجھے خداوند کے گھر کے اندرونی صحن میں لے گیا، اور دیکھو، خداوند کی پیکل کے دروازے پر، ایوان اور مذبح کے درمیان، قریب پچیس آدمی تھے، جن کی پیٹھیں خداوند کی پیکل کی طرف تھیں اور ان کے چہرے مشرق کی طرف؛ اور وہ مشرق کی طرف سورج کو سجدہ کرتے تھے۔ پھر اُس نے مجھ سے کہا، اے ابن آدم، کیا تُو نے یہ دیکھا؟ کیا یہ یہوداہ کے گھرانے کے لیے ہلکی بات ہے کہ وہ یہاں یہ مکروہ کام کرتے ہیں جو وہ کرتے ہیں؟ کیونکہ انہوں نے ملک کو ظلم سے بھر دیا ہے، اور پھر لوٹ کر مجھے غضبناک کرنے لگے ہیں؛ اور دیکھ، وہ شاخ اپنی ناک تک پہنچاتے ہیں۔ اس لیے میں بھی قہر کے ساتھ عمل کروں گا: نہ میری آنکھ ترس کھائے گی اور نہ میں رحم کروں گا؛ اور اگرچہ وہ میرے کانوں میں بلند آواز سے فریاد کریں، تو بھی میں اُن کی نہ سنوں گا۔ حزقی ایل 18-8:16.

همان‌گونه که در مورد گزارش شریرانہ دہ جاسوس بود، آن بیست‌وپنج رهبر شورش که خورشید را پرستش می‌کنند، خداوند را به خشم «تحریک» کرده‌اند. قانون یک‌شنبه «روز تحریک» است که انبیا به آن در آینده اشاره می‌کنند. باب نهم کسانی را توصیف می‌کند که در همان مقطع زمانی مهر خدا را دریافت می‌کنند، زیرا صرفاً باب هشتم را تکرار کرده و بر آن بسط می‌دهد.

«این مهر نهادن بندگان خدا [مکاشفہ ۷] همان است که در رؤیا به حزقیال نشان داده شد.» شهادت‌هایی برای خادمان، ۴۴۵.

در سال ۱۸۶۳، نخستین نسل آدونتیسیم لائودیکیه‌ای سرگردانی خود را در بیابان آغاز کرد. تاریخ نبوی‌ای که تصویر حسادت را در سال ۱۸۶۳ شناسایی می‌کند، گوسالہ طلایی هارون بود. ویژگی‌های نبوی گوسالہ طلایی این است که هم تمثالی از یک وحش بود و هم از طلا. طلا نماد بابل است؛ از این‌رو، گوسالہ طلایی هارون، تمثال وحش بابل بود. تمثال وحش تنها به‌عنوان ترکیب کلیسا و دولت تعریف می‌شود، با این شرط که کلیسا بر این رابطه حاکم باشد.

«اما «تصویر وحش» چیست؟ و چگونه باید ساخته شود؟ این تصویر به‌وسیله وحش دوشاخ ساخته می‌شود، و تصویری است برای آن وحش. همچنین از آن به‌عنوان تصویر وحش یاد می‌شود. پس برای آن‌که بدانیم این تصویر چگونه است و چگونه باید ساخته شود، باید ویژگی‌های خود آن وحش - یعنی پاپیت - را بررسی کنیم.»

«هنگامی که کلیسای نخستین با دور شدن از سادگی انجیل و پذیرفتن آیین‌ها و رسوم بت‌پرستان فاسد شد، روح و قدرت خدا را از دست داد؛ و برای آنکه بر وجدان‌های مردم تسلط یابد، در پی حمایت قدرت دنیوی برآمد. نتیجه، پاپیت بود؛ کلیسایی که قدرت دولت را در اختیار گرفت و آن را برای پیشبرد مقاصد خود، به‌ویژه برای مجازات «بدعت»، به کار برد. برای آنکه ایالات متحده

تصویری از وحش بسازد، قدرتِ مذهبِ باید چنان بر حکومتِ مدنی مسلط شود کہ اقتدار دولت نیز به وسیلہ کلیسا برای تحققِ مقاصدِ خود بہ کار گرفتہ شود.» The Great Controversy, 443.

گوسالہ ای کہ ہارون ساخت، در همان زمانی ساختہ شد کہ موسیٰ دہ فرمان را دریافت می کرد۔ فرمان دوم پرستش بت ہا را منع می کند، و ہنگامی کہ خدا را خدایی غیور معرفی می کند، مشتمل بر توصیفی جزئی از شخصیت خدا نیز ہست۔

تو برای خود ہیچ تمثال تراشیدہ، و ہیچ صورتی از آنچه در آسمان بالا است، یا از آنچه در زمین پایین است، یا از آنچه در آب زیر زمین است، مساز۔ نزد آنها سجدہ مکن و آنها را عبادت منما؛ زیرا من کہ یہوہ خدای تو ہستم، خدای غیورم، کہ گناہ پدران را بر فرزندان تا پشتِ سوم و چہارم آنان کہ از من نفرت دارند، بازخواست می کنم؛ و تا ہزاران نسل بر آنان کہ مرا محبت می نمایند و احکام مرا نگاہ می دارند، رحمت نشان می دہم۔ خروج 20:4-6.

تصویرِ گوسالہٗ زرینِ ہارون، چون بُنی بود، نمایندہٗ «تمثالِ غیرت» است، زیرا همان چیزی بود کہ خشمِ عادلانہ ای را برانگیخت کہ موسیٰ را واداشت تا دو لوحِ نخستِ دہ فرمان را بر زمین افکند و بشکند۔ مقصود ما آن است کہ نشانِ دہیم نمودارِ جعلیِ ۱۸۶۳ بہ وسیلہٗ گوسالہٗ زرینِ ہارون بہ تصویر کشیدہ شدہ بود۔ غیرتِ خدا نسبت بہ گوسالہٗ زرینِ ہارون ظاہر شد، زیرا گوسالہٗ زرینِ نمایندہٗ خدایی دروغین بود۔ آن گوسالہٗ بازنمایی جعلیِ خدا بود۔ ہارون اعلام کرد کہ آن، خدایانی را بازنمایی می کند کہ ایشان را از بندگیِ مصر رہانیدہ بودند۔ آن دو لوحی کہ موسیٰ در همان واقعہ شکست، «رونوشتی» از سیرتِ خدای حقیقی بود، همان خدایی کہ در واقع ایشان را از مصر بیرون آورده بود۔ نمودارِ جعلیِ ساختہ شدہ در ۱۸۶۳، تمثالِ غیرت است، زیرا با حذفِ ہفت زمانِ سوگندِ موسیٰ، دو لوحِ باب دومِ حقوق را شکست۔

visto que la gráfica de 1843 fue dirigida por la mano del Señor, y que no debía ser 75» alterada; que las cifras eran como Él quería que fueran; que Su mano estaba sobre ella y ocultó un error en algunas de las cifras, de modo que nadie pudiera verlo, hasta que Su mano fue quitada». Primeros Escritos, 74, 75»

الن وایت افزون بر فرمانِ عدمِ تغییرِ نمودارِ ۱۸۴۳، این قید را نیز می افزاید: «مگر بہ واسطہٗ الہام۔»

«من دیدم کہ نمودارِ قدیمی بہ وسیلہٗ خداوندِ ہدایت شدہ بود، و اینکہ حتی یک رقم از آن نیز نباید تغییر دادہ شود، مگر بہ وسیلہٗ الہام۔ دیدم کہ ارقامِ نمودارِ همان گونہ بودند کہ خدا می خواست، و اینکہ دستِ او بر روی اشتباہی در برخی از آن ارقام بود و آن را پنهان می کرد، تا ہیچ کس آن را نبیند تا زمانی کہ دستِ او برداشته شود.» Spalding and Magan, 2.

جیمز اور ایلن وائٹ اوٹس نکول کے خاندان کے ساتھ رہ رہے تھے، جب نکول نے 1850 کا چارٹ تیار کیا اور شائع کیا۔ 1850 کے چارٹ میں جس واحد چیز کو "تبدیل" کیا گیا، وہ یہ تھی کہ سنہ '1844' کو سنہ '1843' کی جگہ استعمال کیا گیا، جو 1843 کے چارٹ پر ظاہر کیا گیا تھا۔ واحد "تبدیلی" اسی "غلطی" کی درستی تھی جس پر خدا نے اپنا ہاتھ رکھا ہوا تھا۔ نبیہ کی الہامی رہنمائی عین اسی گھر میں موجود تھی جہاں 1843 کے چارٹ کو "تبدیل" کر کے 1850 کا چارٹ بنایا گیا، اور احبار چھبیس کے سات زمانے اسی چارٹ پر بدستور ثبت رہے، جس طرح وہ 1843 کے چارٹ پر تھے۔

حکمِ دوم اس نبوی معجزے کے ایک اور حصے کو بھی شامل کرتا ہے، کیونکہ یہ ظاہر کرتا ہے کہ خدا نسلوں کو گنتا ہے یہاں تک کہ وہ اُس بدی کی سزا دینے کو آتے جو واقع ہوتی ہے۔ 1863 میں سیونٹھ ڈے ایڈونٹسٹ کلیسیا کی چار نسلوں میں سے پہلی نسل کا آغاز ہوا، کیونکہ میلرائٹ تحریک اسی مقام پر اختتام پذیر ہوئی۔

دو لوح ده فرمان، مُمّیل دو لوح حبقوق اند، اما همچنين مُمّیل دو قرص افراشتنی پنطیکاست نیز هستند، که تنها قربانی در خدمتِ قدس بود که گناه را در بر داشت. تجلی قدرتِ خدا در اعطای ده فرمان، تجلی قدرتِ خدا در ریزش پنطیکاستی، و تجلی قدرتِ خدا در تاریخ دو نمودار میلریتیان، همگی مُمّیل تجلی نهایی ریزش روح القدس در باران آخر هستند. دو قرص افراشتنی پنطیکاست نمایانگر یکصد و چهل و چهار هزارند که در هنگام باران آخر، همچون علمی برافراشته می شوند.

نان های تقدیمی موجی پنطیکاست می بایست با «خمیرمایه» تهیه می شدند، که نماد گناه است؛ اما خمیرمایه در فرایند پخت از میان برده می شد.

.En ese tiempo, habiéndose reunido una multitud innumerable de personas, hasta el punto de atropellarse unos a otros, comenzó a decir primeramente a sus discípulos: Guardaos de la levadura de los fariseos, que es la hipocresía. Lucas 12:1

نان های افراشتنی، قربانی نوبرانه بودند.

از مسکن های خود دو گرده جنبانیدنی، از دو دهم ایقه، بیاورید؛ از آرد نرم ساخته شوند؛ با خمیرمایه پخته شوند؛ این ها نوبرها برای خداوند هستند. لاویان 23:17.

یکصد و چهل و چهار هزار نفر، هدیه نوبر در ایام آخر هستند.

اور میں نے دیکھا، اور دیکھو، ایک برّہ کوہ صیّون پر کھڑا تھا، اور اُس کے ساتھ ایک لاکھ چوالیس ہزار تھے، جن کے ماتھوں پر اُس کے باپ کا نام لکھا ہوا تھا۔ اور میں نے آسمان سے ایک آواز سنی، جو بہت سے پانیوں کی آواز کی مانند تھی، اور بڑے گرج کی آواز کی مانند؛ اور میں نے بریٹ نوازوں کی آواز سنی جو اپنے بریٹ بجاتے تھے۔ اور وہ تخت کے سامنے، اور اُن چار جانداروں اور بزرگوں کے سامنے، گویا ایک نیا گیت گاتے تھے؛ اور اُس گیت کو کوئی نہ سیکھ سکا مگر وہی ایک لاکھ چوالیس ہزار، جو زمین میں سے خرید لیے گئے تھے۔ یہ وہ ہیں جو عورتوں کے ساتھ ناپاک نہیں ہوئے، کیونکہ وہ کنوارے ہیں۔ یہ وہ ہیں جو پرہ کے پیچھے پیچھے چلتے ہیں جہاں کہیں وہ جاتے۔ یہ آدمیوں میں سے خرید لیے گئے، تاکہ خدا اور برہ کے لیے پہلے پہل ہوں۔ اور اُن کے منہ میں کوئی فریب نہ پایا گیا، کیونکہ وہ خدا کے تخت کے سامنے عیب ہیں۔ مکاشفہ 14:1-5.

گروہ پرستندگان در ایام آخر که هرگز نمی میرند، و به وسیله الیاس نمود یافته اند، بر گناه به تمامی غلبه یافته خواهند بود؛ زیرا آتش تطهیری که به وسیله رسول عهد بر ایشان آورده می شود، خمیرمایه را به طور کامل از پسران لاوی می پزد و بیرون می برد.

اینک، فرستاده خود را خواهم فرستاد، و او راه را پیش روی من مهیا خواهد ساخت؛ و خداوندی که شما طالب او هستید، ناگهان به هیکل خویش خواهد آمد، یعنی آن فرستاده عهد که از او شنودید؛ اینک او خواهد آمد، یهوه صباوت می فرماید. اما چه کسی روز آمدن او را تاب خواهد آورد؟ و چه کسی هنگامی که ظاهر شود، خواهد ایستاد؟ زیرا او همچون آتش پالاینده و مانند صابون رخت شویان است. و او خواهد نشست، چون پالاینده و پاک کننده نقره؛ و پسران لاوی را پاک خواهد ساخت، و ایشان را چون طلا و نقره تصفیه خواهد نمود، تا برای خداوند هدایایی در عدالت تقدیم کنند. آنگاه هدیه یهودا و اورشلیم نزد خداوند مقبول خواهد افتاد، چنان که در ایام قدیم و در سال های پیشین. ملاکی ۳:۱-۴

تقدمه ای که «همچون ایام قدیم» است، همان تقدمه جنبان پنطیکاست از دو نان است. این مقدمه به عنوان قربانی برافراشته شد و آن دو نبی را که در کوچه ها کشته شدند مشخص می سازد، و سپس در آغاز بحران قانون یکشنبه، چونان علمی به آسمان برداشته می شوند.

چون هارون گوسالہ زرین خود را ساخت، اعلام کرد کہ آن گوسالہ همان خدایانی است کہ ایشان را از مصر بیرون آورده‌اند، و سپس عیدی برای خداوند اعلام نمود.

او آن‌ها را از دست ایشان گرفت و با قلم حکاکی آن را صورت داد، پس از آنکہ آن را گوسالہ‌ای ریخته‌شدہ ساخت؛ و گفتند: «ای اسرائیل، اینان خدایان تو هستند کہ تو را از سرزمین مصر برآوردند.» و چون هارون آن را دید، مذبحی پیش روی آن بنا کرد؛ و هارون ندا درداد و گفت: «فردا عیدی برای خداوند خواهد بود.» خروج ۴:۳۲، ۵

هنگامی کہ پادشاهی شمالی اسرائیل از پادشاهی جنوبی یهودا جدا شد، یربعام، نخستین پادشاه اسرائیل، عامدانہ آیینی جعلی عبادت را در دو شهر برقرار ساخت، همان اعلامی را کہ هارون کردہ بود بر زبان آورد و ادعا کرد کہ دو گوسالہ زرین او همان خدایانی‌اند کہ ایشان را از مصر بیرون آورده‌اند، و نیز همانند هارون عیدی جعلی مقرر کرد.

اور یربعام نے اپنے دل میں کہا، اب سلطنت داؤد کے گھرانے کی طرف لوٹ جائے گی۔ اگر یہ لوگ یروشلم میں خداوند کے گھر میں قربانی کرنے کو چڑھتے جائیں، تو اس قوم کا دل پھر اپنے آقا، یعنی یہوداہ کے بادشاہ ربحعام کی طرف مائل ہو جائے گا، اور وہ مجھے قتل کر ڈالیں گے اور پھر یہوداہ کے بادشاہ ربحعام کے پاس لوٹ جائیں گے۔ تب بادشاہ نے مشورہ کیا اور سونے کے دو بچھڑے بنوائے، اور ان سے کہا، تمہارے لیے یروشلم کو چڑھنا بہت ہے؛ اے اسرائیل، اپنے معبودوں کو دیکھ، جو تجھے ملک مصر سے نکال لائے۔ اور اس نے ایک کو بیت ایل میں قائم کیا، اور دوسرے کو دان میں رکھا۔ اور یہ بات گناہ بن گئی، کیونکہ لوگ ایک کے آگے سجدہ کرنے کو دان تک جاتے تھے۔ اور اس نے اونچے مقاموں کا ایک گھر بنایا، اور عام لوگوں میں سے، جو بنی لاوی میں سے نہ تھے، کاہن مقرر کیے۔ اور یربعام نے آٹھویں مہینے کی پندرھویں تاریخ کو، اُس عید کی مانند جو یہوداہ میں ہوتی تھی، ایک عید مقرر کی، اور قربان گاہ پر نذر گزارنا شروع کیا۔ اسی طرح اس نے بیت ایل میں ان بچھڑوں کے لیے جو اس نے بنائے تھے قربانیاں گزرائیں، اور بیت ایل میں ان اونچے مقاموں کے کاہن مقرر کیے جو اس نے بنائے تھے۔ چنانچہ اُس نے بیت ایل میں اُس قربان گاہ پر جو اُس نے بنائی تھی، آٹھویں مہینے کی پندرھویں تاریخ کو، یعنی اُس مہینے میں جسے اُس نے اپنے دل سے گھڑا تھا، نذر گزارنا شروع کیا؛ اور بنی اسرائیل کے لیے ایک عید مقرر کی، اور قربان گاہ پر چڑھا، اور بخور جلایا۔ 1 سلطین 33-12:26

دان بہ معنای داوری است و نمایانگر یک دولت می‌باشد؛ بیت‌ئیل بہ معنای خانہ خداست۔ همان‌گونہ کہ در شورش هارون و نیز در ماجرای یربعام پادشاہ، این نمادها ترکیب کلیسا و دولت را مشخص می‌سازند؛ ترکیبی کہ در نہایت در قانون یک‌شنبه در ایالات متحدہ تحقق می‌یابد.

قانون یکشنبه در پایان ادونتیسیم رخ می‌دهد، و در آغاز ادونتیسیم، جنبشی کہ در تابستان ۱۸۴۴ بہ‌عنوان شاخ پروتستان شناخته شدہ بود، از نظر قانونی با شاخ جمهوری‌خواہ متحد شد. ازاین‌رو، شورش هارون و یربعام، ہم سال ۱۸۶۳ و ہم قانون یکشنبه‌ای را کہ بہ‌زودی خواہد آمد، نمایندگی می‌کند.

د دې لامل چې د عهد استازی «د لاوي زامن» پاکوي، نه د نورو قبیلو کومه بله قبیلہ، دا دی چې د هارون د سرو زرو خوسي د بغاوت پر مهال همدا لاويان وو چې د موسی تر څنګ ودرېدل. د هغوی د وفادارۍ له امله، هغوی بیا هغه قبیلہ وګرځول شوه چې د کھانت استازیتوب یې کاوه؛ دا یو داسې عزت و چې تر دې وړاندې ټاکل شوی و څو د هرې قبیلې د مشر زوی څخه جوړ وي. همدا وجه ده چې یربعام ډاډ ترلاسه کړ چې د هغه جعلی کھانت به د لاوي د زامنو څخه نه وي، بلکې خپل کھانت یې «د خلکو له ټيټو کسانو څخه، چې د لاوي له زامنو څخه نه وو» جوړ کړ.

پسران لاوی کسانی هستند که در خلال بحران قانون یکشنبه، به مثابه علم، یا هدیه جنبانیده، به وسیله آتش تطهیر می‌شوند. تاریخچه بحران قانون یکشنبه در ایام آخر، به طور نمادین در بحران سال ۱۸۶۳ پیش‌نمایانده شد، زمانی که شاخ پروتستان تازه شناخته شده به گونه‌ای قانونی به شاخ جمهوری خواه متصل گردید. پیش از آنکه بررسی بخش‌هایی را که همین اکنون بدان‌ها ارجاع داده‌ایم آغاز کنیم، هنوز یک خط تاریخی دیگر باقی مانده است که باید به آن پردازیم.

آن خط سال ۱۸۵۶ است، و ما در مقاله بعدی خود به آن خواهیم پرداخت.

«آمدن مسیح به عنوان کاهن اعظم ما به قدس‌الاقداص، برای تطهیر مقدس، که در دانیال ۸:۱۴ به نمایش گذاشته شده است؛ آمدن پسر انسان نزد قدیم‌الایام، آن‌گونه که در دانیال ۷:۱۳ ارائه شده است؛ و آمدن خداوند به هیکل خویش، که ملاکی آن را پیشگویی کرده است، همگی توصیف‌های یک رویداد واحد هستند؛ و این همچنین به وسیله آمدن داماد به عروسی، که مسیح آن را در مثل ده باکره در متی ۲۵ بیان کرده است، به تصویر کشیده شده است.» The Great Controversy.